

آنهایی که مردم را به سوگ نشانند باید پاسخگو باشند

در نهایت درد و رنج در روز سه شنبه پانزدهم آذرماه بار دیگری بی توجهی به منافع عمومی و ناچیز شمردن ارزش زندگی انسانها سبب گردید تا فاجعه دردناک رخ دهد و گروهی پر شمار از فرزندان این آب و خاک در یک حادثه هوایی در شعله های آتش بسوزند و جان شیرین از کف بدهند با وجود تلاش های گسترده مقامات وابسته به حاکمیت برای تصادفی نشان دادن فاجعه، مجموعه گفته ها حکایت از آن دارد که به آسانی امکان داشت تا از بروز این حادثه جانگداز جلوگیری به عمل آورد. نقص فنی یک هواپیمای باری فرسوده و خودداری خلبان از پرواز در نزدیک به پنج ساعت و سرانجام گمردن خلبانی دیگر و به پرواز در آوردن هواپیمای موتور در حال از کار افتادن و سپس به اعتبار اخبار گوناگون معطل کردن آن در آسمان در موقع فرود اضطراری و بسیاری مطالب دیگر، همه حکایت از آن دارد که در موارد مختلف امکان آن وجود داشت تا از بروز چنین فاجعه ای جلوگیری کرد. در شرایط کنونی به نظر می رسد برای پاسخگویی به افکار عمومی، ضروری است تا یک هیأت تحقیق با نظارت نمایندگان از کانون و کلا، جامعه روزنامه نگاران و نمایندگان ایکائو برای بررسی جامع این رویداد تشکیل بگردد. تجربه رویدادهای مرگبار هوایی در سالهای گذشته حکایت از آن دارد که کمیسیون های سوانح هیچگاه نتوانسته اند پاسخی راضی کننده به مردم بدهند. نکته پرسش برانگیز، اقدام سریعی است که در کار جمع آوری قطعات هواپیمای در محل سقوط قرار گرفت. در حالیکه می بایست برای بررسی های کارشناسی برجای می ماندند. ماضمن پی گیری این امر، از صمیم قلب به تمامی بازماندگان این فاجعه جانکاه و جامعه خبرنگاران، فیلمبرداران و عکاسان دل آرامی می دهیم و با همه آنها صمیمانه همدردی می کنیم.

ما هشدار می دهیم که که با توجه به فرسوده بودن ناوگان هوایی مسافری ایران و سن بالای آن، برای پیشگیری از تکرار اینگونه حوادث غم انگیز، باید هر چه سریعتر نسبت به سامان دهی این ناوگان و نوسازی آن اقدامی اساسی صورت پذیرد. باید از صندوق ارزی بجای هدر دادن آن، با اختصاص چندین میلیارد دلار اعتبار لازم را تأمین ساخت. از سوی دیگر باید در مذاکرات مربوط به انرژی هسته ای، با توجه به تنگنای مربوط به تحریم ها، سیاستی اتخاذ بگردد که دنیا از جانب ایران به اطمینان لازم دست یابد تا آن بخش از موانع برای خرید تجهیزات که با سلامت مردم در پیوند می باشد، از میان برداشته شود. حاکمان بر قدرت نشسته باید بدانند که صبر و تحمل مردم حد و مرزی دارد که نباید آنرا نادیده گرفت.

به گزارش پیک نت:

برای مقابله با ایران کشورهای حوزه خلیج فارس ناتو را به منطقه فراخوانند

برای نخستین بار و در یک اظهار نظر غافلگیرکننده دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس به بهانه نگرانی از دخالت ایران در عراق، خواستار همکاری ناتو با کشورهای حوزه خلیج فارس برای تأمین امنیت شد! این اظهارات در نشست یک روزه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و ایران در دوحه با شرکت اعضای پارلمانی ۱۶ کشور عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و نمایان آنها در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بیان شد. در این نشست انتقادات تندی درباره پیامدهای مواضع امنیتی ایران در منطقه صورت گرفت. دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس تأکید کرد: این ضمانت را به ناتو می دهیم تا با اجازه شورای امنیت سازمان ملل متحد، امنیت منطقه را تأمین کند. بویژه که شورای امنیت چندین قطعنامه از آغاز جنگ ایران و عراق تاکنون تصویب کرده است. در آینده نیاز به تأمین امنیت منطقه آشکارتر می شود.

پیام:

اینها همه پاسخ موضع گیریهای شعارگونه و نسنجیده و تنش آفرین مقاماتی است که همچنان اساس ماندگاری حاکمیت را بر بحران آفرین ها می دانند، بحران آفرین هایی که به شدت تابحال لطمه های سنگینی بر منافع ملی کشور وارد ساخته و تداوم آن می تواند آسیب های جبران ناپذیر بیشتری را بدان وارد سازد.

شکنجه شدگان دیروز، شکنجه گران امروز

والدین یک جوان ۱۵ ساله عراقی. که ناپدید شده است. با مراجعه مکرر به مقامات آمریکائی در عراق، خواستار پی گیری وضعیت وی می شوند. سربازان آمریکائی پس از بازرسی یک ساختمان متعلق به وزارت کشور عراق، یک زندان مخفی و ۱۷۰ نفر زندانی سنی را پیدا می کنند که به شدیدترین و غیر انسانی ترین وضع توسط مأمورین امنیتی دولت شکنجه شده اند. علنی شدن این ماجرا، بحرانی جدید را در عراق شکل می دهد. اینکه زندانیان و شکنجه شدگان دیروز، امروز خود زندانیان و شکنجه گر شده اند، به گونه ای که نیروهای اشغال گر خارجی باید هموطنانشان را از چنگال آنان نجات دهند، خود داستان تکراری و غم انگیزی است. اما نکته جالب نحوه انتشار این خبر در ایران است، که روزنامه ها حتا از جناح اصلاح طلب، بلافاصله پس از انتشار مبهم این خبر، با اضافه کردن ماجرائی از زندان ابو غریب در مورد شکنجه اسرای عراقی (که افرادی نیز در این ارتباط دستگیر و مجازات شدند) به نوعی به خواننده القاء می کنند، که در این بخش نیز، سربازان آمریکائی نه نقش باز دارنده بلکه نقش اجرا کننده داشته اند.

سخن در این نیست که رفتار آمریکائی ها با زندانیان تجاوزگرانه نبوده، بلکه اصل موضوع در این است که دولت عراق و عوامل امنیتی آن حق ندارند تا با متهمان عراقی خشونت بار رفتار کنند و به عنوان شکنجه شدگان در رژیم صدام، امروز خود به شکنجه یعنی ها که عمده آنها را اهل سنت تشکیل می دهند بپردازند. برای پایان بخشیدن به خشونت و ترورهای کور و وحشیانه در عراق ایجاب می کند تا فضای جو انتقامجویی از میان برداشته شود و جامعه در مسیر تعامل هدایت بگردد.

شانزدهم آذر و تعطیل عمومی

جریان تعطیل عمومی روزهای شانزده و هفده آذرماه از سوی دولت بر قدرت نشسته به بهانه آلودگی شدید هوا، با وجود همه ترندها و تعطیل کردن روز پانزدهم به عنوان بستر سازی برای قبولی لندن آن، در عمل از سوی مردم کلان شهر تهران به عنوان یک تاکتیک امنیتی برای جلوگیری از برپایی مراسم شانزدهم آذر تلقی گردیده است. دولت احمدی نژاد می دانست که دانشجویان دانشگاهها تدارک وسیعی برای این روز دیده اند و چهره های سرشناسی را برای سخن گفتن درباره جنبش دانشجویی ایران و مشکلات و استراتژی هایی که باید در پیش بگیرد دعوت کرده اند. آنها بیم آن داشته اند تا نشست های شانزدهم آذر امسال با توجه به پراکنده بودن دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در سطح کلان شهر تهران، همه فضای شهر را در برگیرد و شرایطی پدید آورد که قادر به کنترل آن نباشند و در صورت جلوگیری، کار به برخوردهای گسترده بکشد.

حاکمیت باید بداند که برای همیشه نمی توان از این ترندها بهره جست و در نتیجه باید شرایطی پدید آورد تا نیروهای جوان کشور برای اظهار نظر و نقد حاکمیت خود را در تنگنای شدید نبینند. باید دانست که جنبش دانشجویی ایران را می توان با اعمال نفوذها و جریان سازیها، برای مدتی از توانش کاست، ولی بدون شک این دوران نمی تواند تداوم یابد. نمی توان التهاب شدید جامعه را نادیده گرفت و بر این باور بود که می توان با اعمال فشار همه را به تمکین واداشت. چنین پنداری بی شک واقع بینانه نخواهد بود.